

. موعظه نبی ملاکی 4 کیست

سلام میکنم به همه عزیزان حاضر و بطور خاص به کسانی که پشت خطوط اینترنتی هستند . و از خدا میخواهم که امشب بطور خاص به یکایک ما برکت دهد

..

مطلبی را که قبل از پیغام لازم میبینم به همه شما بگویم این است که یادمان باشد وقتی ما در کنار هم جمع میشویم ، مانند جمع شدن در یک استادیوم فوتبال نیست . در استادیوم فوتبال دو [گروه مخالف] با هم جمع میشوند ، که یکدل نیستند البته ممکن است دو گروه موافق با هم یکدل باشند ولی با هم یک جان نیستند در حالیکه کلام خدا میگوید "ایمانداران با هم یک دل و یک جان بودند" اعمال 4 :

32. کتاب مقدس به ما میگوید که در روز پنتسکاست همه در یک جا جمع بودند و با هم یک دل بودند . پس این بسیار مهم است وقتی ما در یک مکان جمع میشویم یکدل باشیم . که این یکدلی قبل از پری روح القدس است چون بعد از اینکه جلوتر میرویم میبینیم که به این یکدلی یک جانی نیز افزوده میشود پس مهم است زمانی که ما برای مشارکت در یک مکان جمع میشویم ، برای اینکه روح خدا بتواند در بین ما کار کند باید یک دل و یک جان باشیم ؛ آن موقع خدا میتواند در بین ما کارهای بزرگی را انجام دهد . پس در مرحله اول جمع شدن در یک مکان مهم نیست بلکه کیفیت جمع شدن ما مهم می باشد یعنی اینکه وقتی در یک مکان جمع شدیم یکدل و یک جان نیز باشیم ، آنزمان که یکدل باشیم زمینه حضور خدا را فراهم میکنیم [تا برکت بیابیم] پس اگر خواهان این هستیم که حضور خدا در بین ما باشد پس دعوت میکنم که در قلبتان همدیگر را ببخشید و یکدل بشوید تا خدا در بین ما کار کند

مزمور 133

اینك چه خوش و چه دلپسند است كه برادران به يكديلي با هم ساكن شوند . - 1 " 2 - مثل روغن نيكو بر سر است كه به ريش فرود مي آيد، يعني به ريش هارون كه به دامن ردایش فرود مي آید. 3 - . مثل شبنم حرمون است كه بر كوه های صهيون فرود می آید . زیرا كه در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است یعنی " . حیات را تا ابد الابد

مدتهاست که خدا در قلب من گذاشته بطور خاص در مورد یکی از وعده های او در کتاب مقدس صحبت کنیم ؛ ممکن است که ما وعده های خدا را فراموش کنیم ، چون به هر حال کتاب مقدس یک کتاب یک صفحه ایی نیست و یک آیه هم ندارد ؛ خدا در کتاب مقدس وعده های بسیاری به ما داده و خیلی وقتها ممکن است یک

ایماندار همه وعده ها را نشناسد و نداند [و یا از یاد ببرد] اما این خداست که بر کلام خود نظارت دارد و حتی آن مطالبی که ما فراموش میکنیم را بوسیله روح القدس به یاد ما می آورد و نه تنها به یاد ما می آورد بلکه خداست که بر کلام خود نظارت میکند . از این سبب برای ما بسیار حائز اهمیت است که وعده های خدا را بشناسیم تا بتوانیم با زمانی که در آن زندگی میکنیم و پیغام خدا برای زمان حاضر خودمان را هماهنگ کنیم . آمین

یکی از وعده هایی که در کتاب مقدس با آن روبرو میشویم این است که خدا قبل از بازگشت مسیح یک نبی برای ما خواهد فرستاد که با روح ایلیا [یعنی خدمت عملکرد ایلیا] کار میکند . ما این وعده را در ملاکی باب 4 آیه 5 میتوانیم ببینیم اینک من ایلّیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد . و او دل پدران را بسوی پسران خواهد بر گردانید ، مبادا بیایم و زمین را " . به لعنت بزنم

در این آیات ما از خدا یک وعده دریافت میکنیم ؛ چه از این وعده خوشحال شویم چه ناراحت گردیم چه درست و صحیح برداشت و تفسیرش کنیم و چه غلط به هر حال ملاکی باب 4 قسمتی از کلام خداست و خدا در این قسمت این چنین میگوید :
لطفآ آیات را بخوانید

پس خدا بر طبق وعده اش قبل از روز عظیم خداوند باید یک نبی برای ما .
بفرستد .

در مورد ایلّیای نبی یا بهتر بگوییم روح ایلّیا ، پنج بار در کتاب مقدس اشاره شده است . اولین بار خود ایلّیا " اول پادشاهان باب 17 " دومین بار این روح در شاگرد ایلّیا که الیشع نام داشت ظهور میکند ؛ سومین بار در یحیی تعمید دهنده این روح به ظهور میرسد ؛ چهارمین بار نبی ایی است که در ملاکی باب 4 از آن صحبت به میان می آید و پنجمین بار دوباره خود ایلّیاست که با موسی می آید " مکاشفه باب 11 " . پس اولین بار خود ایلّیا دومین بار الیشع سومین بار یحیی تعمید دهنده چهارمین بار نبی ملاکی 4 و پنجمین بار دوباره خود ایلّیا بسیار خوب هدف ما این نیست درباره دو بار اول که در مورد گذشته است صحبت کنیم بلکه میخواهیم به آینده نگاهی 1 بیندازیم در کتاب ملاکی باب 3: 1 اینک من رسول خود را خواهم فرستاد و او طریق را پیش روی من مهیا خواهد ساخت؛ و خداوندی که شما طالب او می باشید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد،

يعني آن رسول عهدي كه شما از او مسرور مي باشيد. هان او مي آيد! قول يهوه
"صبايوت اين است

ما ميدانيم كه اين وعده در زندگي يحيي تعميد دهنده محقق شد ؛ اما در ملاكي باب
4 از يك نبي ابي صحبت ميشود كه قبل از ريسدن روز عظيم و مهيب خداوند بايد
بيايد . خوب روز عظيم خداوند در كتاب مقدس چنين تعريفى شده كه روز داوري
. ميباشد . به اين آيات توجه كنيد
و اي بر آن روز زيرا روز خداوند نزديك است و مثل هلاكتي از قادر مطلق مي آيد
." "

يوئيل 1 : 15

دختر باكره اسرائيل افتاده است و ديگر نخواهد برخاست. بر زمين خود انداخته"
شده، و احدي نيست كه او را برخيزاند " عاموس 2 : 5
زيرا كه روز خداوند بر جميع امت ها نزديك است؛ و چنانكه عمل نمودي همچنان"
." به تو عمل کرده خواهد شد و اعمالت بر سرت خواهد برگشت

عوبديا آيه 15

روز عظيم خداوند نزديك است، نزديك است و بزودي هرچه تمام تر مي رسد."
آواز روز خداوند مسموع است و مرد زورآور در آن به تلخي فرايد برخواهد
"آورد

صفنيا باب 1 : 14

همه اين آيات ذكر شده ،روز خداوند را بعنوان روز داوري توضيح مي دهد و
قرار است خدا ايليای ملاکی باب 4 را قبل از روز خداوند برای ما بفرستد . خوب
در كتاب مقدس قبل از پايان روز خداوند روزی را داريم بنام روز فيض كه، امروز
است وما در آن زندگي ميكنيم كه از 2000 سال قبل با مجسم شدن كلمه خدا آغاز
. گرديده

به آيات ذيل در اين مورد توجه فرماييد

عبرانيان باب 3 : 7 و 13

..... ،پس چنانكه روح القدس مي گويد امروز اگر آواز او را بشنويد "
بلكه هر روزه همدیگر را نصیحت کنید مادامي كه «امروز» خوانده مي شود،
."مبادا احدي از شما به فريب گناه سخت دل گردد

دوم قرنتيان باب 6 : 2

زيرا مي گوید: «در وقتِ مقبول تو را مستجاب فرمودم و در روز نجات تو را "
."اعانت کردم.» اينك الحال زمان مقبول است؛ اينك الآن روز نجات است

. پس قبل از رسیدن روز عظیم خداوند ما یک روزی دیگر داریم بنام روز نجات
لطفا دقت کنید : اکثر مفسرین کتاب مقدس بر این اعتقاد که ملاکی باب 4 از ایلیا
صحبت میکند و هنگامیکه از ظهور یک نبی صحبت میکند ، قبول دارند که باید
این نبی در زمانهای آخر بیاید به عبارتی پذیرفته اند که ملاکی باب 4 مربوط به
زمانهای آخر است . اما مشکلی که ایشان دارند این است که درباره ملاکی باب 4
و آن نبی که ظهور
. میکند تشخیص غلطی دارند

ایشان میگویند نبی ملاکی باب 4 همان نبی مکاشفه باب 11 میباشد ؛ یعنی اکثر
مفسرین کتاب مقدس بر این اعتقاد که ایلیا در زمانهای آخر ظهور خواهد کرد
منظور این که یکی با روح ایلیا خواهد آمد و تحقق آن مکاشفه باب 11 میباشد .
ایشان برای توضیح ادعای خود به این آیه استناد می کنند که چون در باب 4
ملاکی گفته شده که تورات بنده من موسی که نشان میدهد منظور باب 4
ملاکی این است که یک نبی در زمانهای آخر می آید با روح ایلیا ، که البته به نظر
ایشان زمان آمدن این نبی در زمان مکاشفه باب 11 می باشد که قرار
است به همراه موسی بیاید ملاکی باب 4 تورات بنده من موسی را که آن را با
فرایض و احکام به جهت تمامی اسرائیل در حوریب امر فرمودم بیاد آورید
البته که ما با این نظر به هیچ عنوان موافق نیستیم و شما میتوانید بپرسید علت
مخالفت ما بنا به کدام سند کلام خدا می باشد ؟ درحالیکه به ظاهر نظر مفسرین
!!! . درست است

. جواب ما

ما باید بدانیم یک ایلیا در باب 11 مکاشفه ظهور خواهد کرد که به همراه موسی
می آید ، اما ملاکی باب 4 صحبت از یک ایلایی دیگر است غیر از ایلایی مکاشفه
باب 11 . ایلایی ملاکی باب 4 با ایلایی مکاشفه باب 11 متفاوت است . صد البته
برای این ادعا باید دلیل کتاب مقدسی ارائه بدهیم و آن این می باشد سوالی مطرح
میشود . سوال این است که آیا می دانیم که ایلایی ملاکی باب 4 چه زمانی باید
ظهور کند ؟

این اولین سوالی است که باید از خودمان بپرسیم . جواب این است : نبی ملاکی
باب 4 قبل از فرا رسیدن روز مهیب خداوند خواهد آمد
اینك من ایلایی نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم"
فرستاد

او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران خواهد برگردانید، مبادا
". بیایم و زمین را به لعنت بزنم

پس این ایلیا باید قبل از فرا رسیدن روز مهیب خداوند بیاید . سوال بعدی این
است که قبل از روز خداوند چه زمانی می باشد ؟ جواب این است روز نجات که ما
الان در آن هستیم و ایلیا باید در آن ظهور کند
اینک من ایلّیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم
فرستاد. و او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران خواهد
برگردانید، مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم
به این جمله دقت کنید . مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم . این کلید درک ملاکی.
. باب 4 است

ولی اکثر فرقه ها و اکثر مفسرین کتاب مقدس معتقد هستند که نبی ملاکی باب 4
همان ایلّیای مکاشفه باب 11 است که ما این تفسیر را قبول نداریم . اینجا گفته
شده مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم . آیه 4 الی 6 مکاشفه را باز کنید
. اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده اند
و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان
. ایشان را فرو می گیرد؛ و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود
اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایّام نبوّت ایشان باران نبارد و قدرت بر
آبها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هرگاه بخواهند، به انواع
بلايا مبتلا سازند

ما در این آیات متوجه مسئله ایی مهم میشویم در ملاکی باب 4 خدا میگوید مبادا
بیایم و زمین را به لعنت بزنم اما دو نبی مکاشفه بلایا میفرستند و آسمان را
میبندد و ... در حالیکه نبی ایی که در روز فیض می آید مقصود از آمدنش این
. است که مبادا مبادا خدا بیاد و زمین را به لعنت بزند

لوقا باب 9 آیه 54 در درک این مسئله به ما کمک میکند
و چون شاگردان او، یعقوب و یوحنا این را دیدند، گفتند: «ای خداوند آیا می .
خواهی بگوئیم که آتش از آسمان باریده اینها را فرو گیرد چنانکه الیاس نیز کرد؟
. آنگاه روی گردانیده بدیشان گفت: «نمی دانید که شما از کدام نوع روح هستید
زیرا که پسر انسان نیامده است تا جان مردم را هلاک سازد بلکه تا نجات دهد.»
پس به قریه ای دیگر رفتند

ماجرا از این قرار است که هنگامیکه مسیح را از آن شهر بیرون میکنند به
شاگردان ناراحت میشوند و به آنها برمیخورد و به مسیح چنین گفتند که خواندید ؛

زیرا در عهد عتیق میدانستند الیاس از آسمان آتش فرستاد دوم پادشاهان باب 1 آیات 9 الی 16 و همچنین خوانده بودند که الیشع خرس فرستاد و آنانی که او را مسخره میکردند را کشت دوم پادشاهان باب 2 آیه 24 . و شاگردان مسیح این مطالب را در خاطر داشتند و از مسیح درخواست کردند که آتش بیاد و اما مسیح ایشان را مواخذه کرد زیرا در دوران فیض ما نباید لعنت کنیم و حتی باید برای دشمنان خود دعای برکت نماییم اما بعد از پایان روز فیض دوباره اوضاع به حالت اول برمیگردد

چون این دو نبی مکاشفه باب 11 بعد از ربنوده شدن کلیسا و اتمام روز فیض می آیند .

..... آنها دقیقا مانند عهد عتیق آتش می فرستند و

اما نبی ملاکی باب 4 چون در روز های فیض می آید حق لعنت ندارد ؛ چرا ؟ به . این علت که تحت روح فیض است همانطور که یوحنا و یعقوب حق نداشتند و اینجاست که ما متوجه میشویم که نبی ملاکی باب 4 نمی تواند نبی مکاشفه باب 11 باشد چون آنها لعنت میکنند اما در ملاکی باب 4 خدا تذکر میدهد مبدا بیا یم و زمین را به لعنت بزنم یعنی خدا در اینجا قصد لعنت کردن را ندارد بلکه قصد او این است که خرابیها را اصلاح کند قصد این را دارد که جلوی لعنت را بگیرد قصد این را دارد که جلوی پراکندگی قوم را بگیرد ولی در مکاشفه باب 11 در واقع این دو نفر می آیند که داوری را اعلام کنند و از آنجا که داوری را اعلام میکنند قوت بستن آسمان را دارند قوت دارند مردم را بکشند در حالیکه در عهد جدید وقتی پطرس شمشیر برداشت و گوش آن شخص را برید مسیح گفت شمشیرت را غلاف کن چون هر کس بخواد شمشیر بکشد با شمشیر نیز کشته میشود ولی در مکاشفه باب 11 شمشیر این دو نبی غلاف نشده است

پس متوجه شدید که نبی ملاکی 4 باید در روزهای فیض ظهور کند پس نبی ملاکی 4 نبی ملاکی 3 نیست نمیدانم تا چه حد متوجه شدید ؟ خوب یک نظر دیگه هم هست که من بصورت گذری از آن عبور میکنم در مورد مکاشفه باب 11 گفته میشود که خنوخ و ایلیا می آیند بعضیها بر این باورند چون میگویند این دو نفر در کتاب مقدس نمرده اند بر این اساس بعضیها معتقد هستند که موسی نماینده ولی ما معتقد هستیم که در مکاشفه باب 11 ایلیا و موسی هستند چون نشانه هایی که بروز میدهند نشانه های موسی و ایلیا هستند و در کوه تبدیل هیات عیسی موسی و ایلیا هستند که با مسیح صحبت کردند و چرا خنوخ نمیتوانست صحبت کند در کوه هیات ؟ چون خنوخ در واقع نمیتواند بمیرد در حالیکه ایلیا و موسی

قرار است بمیرند یعنی مرگ را میتوانند تجربه کنند چون هنوز بدنهای آنها تبدیل نشده چون در کتاب مقدس ما میخوانیم که خنوخ 300 سال با خدا راه رفت و نایاب شد یعنی خنوخ پاداش خودش را با هماهنگ شدن با کلام خدا با ربوده شدن گرفت یعنی خنوخ به این دلیل نایاب شد که 300 سال با خدا راه رفت و خدا در ازای هماهنگی وفادارانه خنوخ به او پاداش ربوده شدن را داد و خدا نمیتواند پاداشی را که داده بگیرد ولی در مورد ایلیا گفته شده برداشته شده گویا خدا میخواهد برای خدمتی دیگر در آینده او را نگهدارد و در مورد موسی هم وقتی موسی میمیرد شیطان روی جسد موسی جنگ میکند چون میدانست که خدا از این جسد میخواهد دوباره استفاده کند و میخواست مانع این بشود پس دلیل جنگ شیطان بر سر جسد موسی برای همین بود پس ما متوجه شدیم که قبل از پایان روزهای فیض و قبل از روز خداوند ، خدا ایلای نبی را میفرستد یا یک نبی را میفرستد با روح ایلیا . این یک وعده است و خدا به وعده های خودش عمل میکند بر کلام خودش نظارت میکند تا در وقت معین وعده خودش را محقق کند .

اینجا سوال میشود چرا خدا یک نبی به سبک سموئیل نمی فرستد ؟ چرا یک نبی به سبک عبدیا نمی فرستد ؟ چرا یک نبی به سبک حزقیال نمی فرستد ؟ و ... اشعیا و حتی یک نبی به سبک موسی نمیفرستد ؟ در کتاب مقدس انبیا زیادی داریم ولی چرا خدا یک نبی به مانند ایلیا می فرستد ؟ ما

چون ما ایلیا را مردی میبینیم که قوم را به شریعتی که از اون دور شده بودیم برمیگرداند . موسی نبی ایی هست که شریعت را آورد مسیح به عنوان یک نبی رسول عهد جدید و فیض است ایلیا شریعت جدیدی را نمیاورد بلکه قومی را که از شریعت فاصله گرفتند را به شریعت بر میگرداند یعنی ایلیا یک دعوت به بازگشت دارد بازگشت به اصلی که قوم از آن فاصله گرفته است. وقتی ما خدمت یحیی تعمید دهنده را می بینیم ایلیا خدمتی دارد که در واقع دلهای ما را با خدا آشتی میدهد .

در عهد عتیق ما میخوانیم که خدا میگوید من از قوم ناخوشنودم هدیه می گذرانند ولی دلهایشان از من دور است ولی ایلیا نبی ایی هست که دلها را با خدا آشتی میدهد در رساله یعقوب باب 4 گفته میشود که ای دو دلان و دعوت میکند که افراد دو دل از دو دلی در بیایند و در زمان ایلیا انبیای کذبه در میان قوم آمده

بودند یکی از راههای نفوذ انبیای کذب زنی بنام ایزابل بود و این انبیا توانسته بودند قوم را از خدای حقیقی دور و در دل قوم نسبت به کلام خدا و شریعت موسی شک ایجاد کنند. مثلاً در شریعت موسی اولین فرمان این است که خدا یکی است اما این انبیا موفق شده بودند در این فرمان اول قوم را به شک بیندازند و این یک فاجعه محسوب میشد و برای یکی مثل اخاب هم خیلی مهم نبود ما در باب 18 اول پادشاهان آیه 21

و ایلِیا به تمامی قوم نزدیک آمده، گفت: «تا به کی در میان دو فرقه می‌لنگید؟ اگر یَهُوَه خداست، او را پیروی نمایید! و اگر بَعْل است، وی را پیروی نمایید!» اما قوم در جواب او هیچ نگفتند
میبینید چقدر شک در دل قوم است ???

ایلِیا با جرات میاید و میگوید تا کی میخواهید بین دو فرقه بلنگید یکبار خدا را میپرستید یکبار هم بعل را میپرستید و این وضعیت وضعیت اسفباری بوده وقتی ایلِیا این حرف را میزند قوم سکوت میکنند و این از شک در دل قوم است و اینقدر در دل این قوم تردید است که ترجیح میدهند سکوت کنند که ما بقی ماجرا را در کتاب مقدس میتوانیم مطالعه کنیم و ایلِیا میگوید خدایی که با آتش جواب بدهد خداست

و ایلِیا به تمامی قوم نزدیک آمده، گفت: «تا به کی در میان دو فرقه می‌لنگید؟ اگر یَهُوَه خداست، او را پیروی نمایید! و اگر بَعْل است، وی را پیروی نمایید!» اما قوم در جواب او هیچ نگفتند.
پس ایلِیا به قوم گفت: «من تنها نبی یَهُوَه باقی مانده ام و انبیای بعل چهار صد و پنجاه نفرند.

پس به ما دو گاو بدهند و يك گاو به جهت خود انتخاب کرده، و آن را قطعه قطعه نموده، آن را بر هیزم بگذارند و آتش نهند؛ و من گاو دیگر را حاضر ساخته، بر هیزم می‌گذارم و آتش نمی‌نهم.

و شما اسم خدای خود را بخوانید و من نام یَهُوَه را خواهم خواند؛ و آن خدایی که «به آتش جواب دهد، او خدا باشد.» و تمامی قوم در جواب گفتند: «نیکو گفתי پس ایلِیا به انبیای بعل گفت: «يك گاو برای خود انتخاب کرده، شما اول آن را حاضر سازید زیرا که بسیار هستید و به نام خدای خود بخوانید، اما آتش «نگذارید»

پس گاو را که به ایشان داده شده بود، گرفتند و آن را حاضر ساخته، نام بعل را از صبح تا ظهر خوانده، می گفتند: «ای بعل ما را جواب بده.» لیکن هیچ صدا یا جوابی نبود و ایشان بر مذبحی که ساخته بودند، جست و خیز می نمودند و به وقت ظهر، ایلّیا ایشان را مسخره نموده، گفت: «به آواز بلند بخوانید زیرا که او خداست! شاید متفکّر است یا به خلوت رفته، یا در سفر می باشد، یا شاید که در «!خواب است و باید او را بیدار کرد

و ایشان را به آواز بلند می خواندند و موافق عادت خود، خویشتن را به تیغها و نیزه ها مجروح می ساختند، به حدی که خون بر ایشان جاری می شد و بعد از گذشتن ظهر تا وقت گذراندن هدیه عصری، ایشان نبوت می کردند؛ لیکن نه آوازی بود و نه کسی که جواب دهد یا توجه نماید آنگاه ایلّیا به تمامی قوم گفت: «نزد من بیایید.» و تمامی قوم نزد وی آمدند و مذبح یهوه را که خراب شده بود، تعمیر نمود و ایلّیا موافق شماره اسباط بنی یعقوب که کلام خداوند بر وی نازل شده، گفته بود که نام تو اسرائیل خواهد بود، دوازده سنگ گرفت و به آن سنگها مذبحی به نام یهوه بنا کرد و گرداگرد مذبح خندقی که گنجایش و پیمانۀ بزر داشت، ساخت

و هیزم را ترتیب داد و گاو را قطعه قطعه نموده، آن را هیزم گذاشت. پس گفت: «...چهار خُم از آب پر کرده، آن را بر قربانی سوختنی و هیزم بریزید. پس گفت: «بار دیگر بکنید»؛ و گفت: «بار سوم بکنید.» و بار سوم کردند و آب گرداگرد مذبح جاری شد و خندق نیز از آب پر گشت و در وقت گذراندن هدیه عصری، ایلّیای نبی نزدیک آمده، گفت: «ای یهوه، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم بشود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم و تمام این کارها را به فرمان تو کرده ام مرا اجابت فرما ای خداوند! مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که تو یهوه خدا «...هستی و اینکه دل ایشان را باز پس گردانیدی آنگاه آتش یهوه افتاده، قربانی سوختنی و هیزم و سنگها و خاک را بلعید و آب را که در خندق بود، لیسید و تمامی قوم چون این را دیدند، به روی خود افتاده، گفتند: «یهوه، او خداست! «!یهوه او خداست

و ایلّیا به ایشان گفت: «انبیای بَعْل را بگیرید و یکی از ایشان رهایی نیابد.» پس ایشان را گرفتند و ایلّیا ایشان را نزد نهر قیشون فرود آورده، ایشان را در آنجا کشت.

ما میبینیم که ایلّیا قوم را از دو دلی درمی آورد و انبیای کاذب کشته میشوند و دل قوم که از خدا دور شده به خدا بازگشت میکند

آیا ایمان دارید که خدا آینده را میبیند ؟

آیا ایمان دارید که خدا زمانهای ما را دیده ؟

آیا ایمان دارید که خدا دیده بود که 900 عدد فرقه مسیحیت خواهیم داشت ؟

وجود 900 فرقه با وجودیکه ما تنها یک کتاب مقدس داریم یعنی 900 برداشت

گوناگون از کتاب مقدس یعنی اینکه دست انسان نفوذ کرده در تفسیر کلام خدا یعنی اینکه انسان در کتاب مقدس تحریف انجام داده (از لحاظ برداشت و تفسیر،

نه از لحاظ جابجایی آیات یا کم و زیاد کردن آن) یعنی اینکه تفکرات انسانی و

منیتهای انسانی دنیای مسیحی شده به همین علت 900 فرقه در مسیحیت داریم

در حالیکه یک کتاب مقدس داریم و یک روح القدس . پس چطور میشود که 900

فرقه در مسیحیت بوجود آید در حالیکه در این 900 تا فقط یک تفسیر میتواند

. درست باشد و یک برداشت میتواند درست باشد و 899 تا دیگه باطل است ؟

ولی داستان به این سادگی ها نیست منی که با فرقه های گوناگون کار میکنم خیلی

وقتها که با آنها صحبت میکنم میبینیم که برای تفکرات و برداشتهای گوناگون

خودشان از کتاب مقدس آیه میاورند و برداشتهایی دارند که گاهی اوقات هم

زیباست و بعضی اوقات به نظر میاید که درست است . برای همین در دنیای

مسیحی امروز یک وضعیت خاصی ایجاد شده چون نمیتوانند با یکدیگر کنار بیایند

میگویند بیایید در همین وضعیتی که هستیم با هم متحد بشویم تو عقیده و اعتقاد

خودت را داشته باش منم عقیده خودم را دارم و مهم نیست که برداشتهای ما

متفاوت است مهم این است که عیسی خداوند است تازه در همین عیسی خداوندم

تفکرات گوناگونی است برداشت شاهدان یهوه از خداوندی عیسی یک چیز است

تثلیثیون میگویند عیسی خداوند است اما شخصیت دوم تثلیث اقدس است و جیزس

اونلیها هم یک طور دیگر فکر میکنند

اینجا یک مشکلی پیش میاید، باور کنید که اگر ما هم در زمان ایلّیا بودیم مثل قوم

سکوت میکردیم . اگر ایلّیا می آمد میگفت که تا کی در میان دو فرقه میلنگید ؟

نمیتوانستیم جواب بدهیم . چرا نمیتوانستیم جواب بدهیم ؟ چون ما میگفتیم که

الیهیدانانی که این نظریه را داده همه دکتروند ،سالها کتاب مقدس خوانده اند و هر

کسی نیستند، این موضوع زمان یحیی تعمید دهنده نیز به وقوع پیوست اون هم با روح ایلیا آمد ما فرقه صدوقیان را داشتیم ما فریسیان را داشتیم . صدوقیان به قیامت اعتقادی نداشتند ولی فریسیان اعتقاد داشتند و فکرهای متفاوتی وجود داشت ولی الان در دوران ما اوضاع خیلی بدتره . در این وضعیت اگر وضعیت به همین گونه ایی که ما داریم تشریح میکنیم باقی بماند یعنی انجیل آن انجیل ناب نباشد و آن انجیل دست نخورده نباشد ، بر طبق غلاطیان باب 1 هر کس انجیلی غیر از انجیل رسولان را موعظه کند و تعلیمی را بدهد که غیر از تعلیم رسولان باشه کلام میگوید آناتیما باد، پس در واقع یک لعنتی میاد پس وجود

فرقه یعنی اینکه انسان تفکر خودش را غالب کرده و چون انجیل دست 900 خورده خدا چاره ایی نداره جز اینکه لعنت کند، ولی چون روزهای فیض است و خدا نمیخواهد لعنت کند و مسیح آمده و برای ما جانث را داده ،پس چه کار میکند ؟ یک نبی به سبک ایلیا میفرستد نمیدانم چقدر درک میکنید که تا لعنت نشویم . میگوید مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم . چون اگر وضعیت به این شکل دست نخورده باقی بماند خدا باید لعنت کند همانطوریکه روزهای فیض تمام میشود اون دو نبی حتی میکشند پس خدا یک نبی به سبک ایلیا میفرستد . خوب، کمی بریم جلوتر

چرا یک نبی میفرستد و یک معلم نمیفرستد؟ چرا یک مبشر نمیفرستد؟ چرا یک الهیدان نمیفرستد؟ و چرا حتی یک رسول به آن معنا نمی فرستد؟ بلکه یک نبی میفرستد؟ چون خدا برای حل مناقشات و درگیریهایی که پیش میاید ،وقتی که اختلافات عقیده ایی بوجود میاید، وقتی تفاسیر گوناگون ارائه میشود، خدا یک سبک برای پاسخ دارد و خدا روش خودش را هرگز عوض نمیکند . یک مثال میزنم

در یک مسابقه یک داور داریم بعضی اوقات یک خطایی اتفاق می افتد و دو گروه داد میزنند و هر دو گروه اعتراض دارند یکی میگه تو خطا کردی و این گروه میگه نه من خطا نکردم و داور مسابقه سوت میزنه و بجای اعلام خطای میگه کررر شد و مناقشه تمام میشود با وجود 900 فرقه و با وجود 900 دانشگاه متفاوت قوم خدا و خدا برای پاسخ به اینکه چه باید کرد و تشخیص درست کیست باید صحبت کند چون انسانها صحبت کردند و 900 تفسیر بیرون آمد و این 900 تفسیر ما را از کتاب مقدس فاصله میدهد. پس خدا باید صحبت کند ولی خدا سبکی برای صحبت دارد ،خدا همیشه از طریق انبیا صحبت میکند، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید در عهد جدید میگوید که ما بر بنیاد انبیا و رسولان بنا شدیم

میگوید خدا بخشید رسولان انبیا مبشرین شبانان و معلمین را پس یک خدمت نبوتی وجود دارد نبی دهان خداست نبی سخن خدا را داده خدا از طریق انبیا صحبت میکند یعنی وقتی من و شما اختلافی داریم من از این آیه اینطور درک میکنم و شما میگویید من یک طور دیگر درک میکنم اختلاف وجود دارد . خدا میخواه بگوید حق با کیست باید صحبت بکند و نبی دهان خدا بر روی زمین است وقتی ما مناقشه داریم یک نبی است که میگوید خدا چنین میگوید . یک نبی از خود سخن نمیگوید بلکه یک نبی کاذب است که از خودش سخن میگوید 60 در حلیکه یک نبی حقیقی از جانب خدا سخن میگوید و وقتی خدا صحبت میکند توقع دارد که ما خودمان را با آن هماهنگ کنیم و اینجاست که خدا قول میدهد یک نبی برای ما بفرسته تا ما از این اختلاف نظر از این وضعت تشویش که در مکاشفه باب 18 میگوید از بابل خارج بشویم بابل یعنی تشویش در واقع خدا ما را از این تشویش توسط یک نبی بیرون میاره چون نبی قول خدا را میاره چون نبی قول خدا را میاره . فرق یک نبی با یک الهی دان این است که یک الهی دان فکر میکند و بر اساس دانش خودش حرف میزند ولی یک نبی خدا به او میگوید چی درست است و چی غلط است در کتاب مکاشفه یک فرشته همراه یوحنا بوده و حتی یوحنا میخواست دوبار او را پرستش کند این فرشته برای چی همراه یوحنا بوده ؟ تا به یوحنا کمک کنه که هم درست بنویسه و هم درک کنه یک نبی به این سبک است که کلام خدا را میفهمد در کتاب دانیال میخوانیم که خدا یک فرشته میفرستد تا به دانیال کمک کند تا اون رویایی را دیده درک کنه یعنی خدا به فرشته دستور میده تا دانیال را از اموری که دیده آگاه کنه یعنی خدا مستقیم با نبی حرف میزنه

موسی کتاب تورات را نوشته در حالیکه موسی در باغ عدن نبوده ولی خدا باغ عدن را به او نشان داده و اتفاقاتی که در آن افتاده و گفت بنویس با وجودیکه خودش نبوده فرق نبی با الهی دان اینه یک الهی دان ممکنه حتی یک فرشته را ندیده باشه ولی یک نبی در واقع با فرشته ها و با خدا ارتباط مستقیم داره وقتی یک سوال کتاب مقدسی میشه 64

و اون نبی در حضور خدا می ایسته خدا به او میگوید که مسئله از این قراره و . اینجاست که خدا میگه من یک نبی به سبک ایلیا میفرستم یعنی نبی دهان خداست و اراده خدا را برای ما میاره و در عین حال نبیی که قرار بیاد مثل ایلیاست خدا با آیات و معجزات با نشانه های مختلف و ما فوق طبیعه به این نبی ایی که قرار بیاد قدرت میده تا قوم را از دو دلی در بیاره نبی ملاکی 4 این وظیفه را دارد دل

پسران را به سمت پدران برگرداند یعنی اینکه دل پدران که رسولان هستند و پسران که ما هستیم یک قطع رابطه صورت گرفته بود یعنی چی ؟ یعنی کلیسا در واقع اون تعلیمی که آنها میدادند را نداشتیم چون رابطه ما با رسولان یک رابطه روحانیه یعنی کلیسا وارد وضعیتی شده بود که تعلیمات گوناگون و غریبی که رسولان هیچ وقت تعلیم نداده بودند آنها تعلیم میدادند و این باعث شده که دل پسران از پدران دور بشه و خدا در واقع یک نبی به سبک ایلیا میفرستد تا بین ما و کتاب مقدس آشتی ایجاد کنه تا بین ما و تعلیم رسولان آشتی ایجاد کنه چون ما حق نداریم که چیزی را در کلام اضافه کنیم و حق نداریم تفکرات خودمان را موعظه کنیم حق نداریم در واقع کار سر خود انجام بدیم بلکه قدمهای ما باید همان قدمهایی باشد که رسولان برداشتند و چون در کلیسا تعلیمات انسانی زیاد شده بود مخصوصا در زمانهای آخر که مردم معلمان برای خود فراهم میکنند مثلا یکی از مشکلاتی که هست اینه که مردم خودشان کلیسا انتخاب میکنند مثلا یکی میگوید کلیسا بقالی است میگویند من از چیپس چیتوز خوشم نیامد من از چیپس مزمز خوشم میاد کلیسا بقالی نیست . میگویند مثلا برادر بهروز تو کلیسای ما اجازه تعلیم میدهند . چرا در کلیسای شما این اجازه نیست تو کلیسای ما آزادی است و من احترام هر کسی هر سازی بخواد بزنه خود این وضعیت نشان میده که این کلیسا کنترل خدا روی آنها نیست هر چقدر بخوانند معجزه داشته باشند روزی خدا به آنها خواهد گفت . 24/70

من شما را نمیشناسم چون مسیح میگه که هر کس منو دوست داره احکام منو انجام بده پس دوست داشتن خداوند رقص کردن نیست هر یکشنبه به کلیسا رفتن نیست بلکه نگهداشتن احکام خداست به شکلی که خدا میخواهد . پس خدا برای اینکه ما را از تشویش بیرون بیاړه یک نبی با قوت ایلیا فرستاد که در میان کلیسا فرستاد و یک چالنجی ایجاد کرد و بقول معروف هم آورد طلب کرد همانطور که ایلیا گفت که چرا در میان دو فرقه میلنگید اگر یهوه خداست او را عبادت کنید و اگر بعل خداست او را عبادت کنید و خدایی که با آتش جواب داد اوست خدا . از نظر ما که هماهنگ با نظر خداست اعتقاد داریم این نبی آمده و پیغامیکه باید به کلیسا میداد که پیغام بازگشت به کتاب مقدس است در واقع آورده برای ما

همیشه انبیا چوب و عصا ندارند چون قرار بود این نبی در زمانهای آخر بیاد کت و شلواری بوده و مثل منو شما تیپ میزده این نبی از نظر ما برادر ویلیام برانهام است .

چطور به این نتیجه رسیدید برادر؟؟

این همه آدم هست این همه کسانی هستند که معجزه میکنند پس چطور تو در میان این همه آدم و واعظ به این نتیجه میرسی ویلیام برانهام آن نبی موعود ملاکی باب 4 است؟؟؟

این نتیجه ایی است که خدا ما را به آن رسانده چطور؟؟

در سال 1933 در رود خانه آرنو برادر در حال تعمید دادن بود به نفر هفدهم میرسه یک دعای کوتاه میکنه و میگوید پدر همانطور که من این شخص را به آب تعمید میدم تو این شخص را به روح القدس تعمید بده ناگهان گردبادی بوجود میاد یک نوری از آسمان پایین میاد و صدایی از آن نور پایین میاد که هر 4000 نفری که اونجا حضور داشتند میشنوند . این یک واقعه پشت پرده نبود که ناگهان کسی از اتاق خودش بیا بیرون بگه . بلکه این صدا در حضور آن همه شاهد میگوید . همانطور که یحیی تعمید دهنده فرستاده شد تا ظهور مسیح را آماده کنه پیغام که تو به همراه داری که بازگشت منو مهیا میکنه خوب یک داستان برای شما تعریف میکنم من روزی داشتم با یک شیخ سنی حرف میزدم در ایران یک بحثی بین منو آن شخص مطرح شد همانطور که میدانید نبوت با آمدن پیامبر اسلام تمام شده ولی یک تفکر دیگه هم دارند که اگر یک نبی ادعای نبوت میکند باید بتواند معجزه از خودش بروز بده من به آن شخص گفتم که ما معتقد هستیم خدا هنوز انبیا میفرستد گفتم اگر من مردی را به تو نشان بدم که نبی خداست و نشانه ها و آیاتی داره تو باور میکنی .؟ گفت نشان بده بعد من بهش سایت را باز کردم و داستان همین 1933 را براش گفتم . وقتی این ماجرا را براش گفتم اون جواب داد اون یک نبی بوده . من تعجب کردم از این حرفش روم نشد ازش بپرسم چطور به این نتیجه رسیدی گفتم بعضی وقتها با مسیحی ها خودمان را منفجر میکنیم باور نمیکنند . چطور این باور کرد ؟ بعد از آن به مسیح ایمان آورد . یک روز آمد تهران گفتم فلانی تو چطور به این نتیجه رسیدی و باور کردی . گفت ما یک اصلی داریم گفت قرآن به ما میگه اگر چهار شاهد امین بر یک مسئله ایی گواهی بدن یعنی اون مسئله انجام شده و وقتی تو میگی 4000 نفر صدای خدا را شنیدند که خدا گفته که همانطور که یحیی ظهور منو آماده کرد تو هم آمدن مجدد منو آماده میکنی این دیوانگی است که من نپذیرم این غرور که من نپذیرم و جوابش منو تحت تاثیر قرار داد چون روی اصول درستی جواب داد کتاب مقدس هم میگوید به گواهی دو یا سه شاهد هر امری ثابت میشه حال اینکه در این حادثه ما 4000 نفر شاهد داریم که خیلی این شاهدین تا همین چند سال پیش زنده

بودند حتی یکی از شاهدین تا سال 1995 زنده بود . علاوه بر آن نشانه های دیگری خدا در زندگی این مرد انجام میدهد مثل ستون آتش که عکسش معروفه و شما همه دیدید .

اینجا یک مسئله ایی هست در همان زمان و حتی در زمان ما خیلیها هستند که خادمان حقیقی خدایند ولی همانطور که خدا در ملاکی باب 4 آمدن این شخص را نبوت میکنه پس خدا باید از این شخص حمایت بکنه این شخص نیامد تا عیسی جدیدی را به ما معرفی کنه یا یک انجیل جدیدی را به ما معرفی کنه بلکه آمد تا ما را برگرداند به سوی اصول اصیل کتاب مقدس و یک نبی کار دیگری نمیکنه چون اگر کسی یک نبی حقیق باشه نمیتونه بر خلاف کتاب مقدس حرف بزنه . پس این نبی با آیات و معجزات زیادی تائید شده در حالیکه خیلی از خادمها بودند ولی 23/1 ما ابر نورانی که در عهد عتیق یا کوه هیات میبینیم در کوه سانت ظاهر شد که در آن سیمای مسیح است و از آن ابر نورانی صدایی بلند میشه و به او دستوری میده و ... در حالیکه خیلی از خادمها بودند ولی خدا بطور خاص میاد بر روی این مرد یک ستون آتش را میگذارد . این ستون آتش نه برای این است که این مرد جلال پیدا کنه چون خدا میگوید من جلال خود را به هیچ کس نمیدهم بلکه برای این است که خدا در این مرد چیزی را گذاشته و پیغامی را گذاشته که عروس عیسی مسیح را آماده کنه و با این ستون آتش و با این نشانه ها میخواد ما را از دو دلی در بیاره و کسی که اینرا درک کرده باشه دیگر نمیتونه در یک تشویش تعلیمی باشد که بگوید که چرا این شکلی است و چرا اون شکلی است چون خدا یک نبی به ما داده که کلام آخر را داره که قول خدا را میاره در کلیساها به شیوه های گوناگون تعمید میگیرند . یک کلیسا سه بار فرو میکنه توی آب یک کلیسیا آب پاشی میگکنه یک کلیسا ... یک کلیسا میگوید تو را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید میدهم یک کلیسا بنام عیسی تعمید میده و تمام اینها یک تشویش تعلیمی است یک کلیسیا سه بار تعمید میده که در هر مرحله نام یکی از اقنوم تثلیث را میاره و ... این یک تشویش است

هر یک دلایلی داره اینجاست که خدا میاد که یک نبی میفرسته و با آیات و نشانه ها او را تائید میکنه و در تعلیم تعمید ما را به تعمیدی برمیگرداند که رسولان تعمید میداند چون بهترین درک از کلام خدا و عیسی را رسولان داشتند پس میگوید اگر میخواهید تعمید بگیرید باید به نام خداوند عیسی مسیح تعمید بگیرید اینرا از خودش نمیگه چون اساس این عمل اعمال باب 2 آیه 38 است و اعمال باب 8 آیه 16 است اعمال باب 10 آیه 48 اعمال باب 19 آیه 5 است رومیان با

6 آیه 3 است کلوسیان باب 2 آیه 27 است و و و آیاتی که مدت‌ها بسیار از آن عبور میکردند .

یک خواهر چطور باید در کلیسا حاضر بشه یک کلیسیا اینرا میگه یک کلیسا اون را میگه و اینجا است که دهان خدا توسط نبی باز میشود و نبی میاد . پاسخ میده نه . از خودش بلکه بر اساس کلام خدا

یک داستان

وقتی برادر برانهام اینها را می گفت خیلیها اذیت میشدند میگفتند این مرد تعلیم غلط را ارائه میده گفتند بیایید برای شیک دامی پهن کنیم 300 نفر از بزرگترین واعظان آمریکا گفتند در یک جلسه برانهام را دعوت میکنیم و آنجا گیرش میاریم و به او ثابت میکنیم تعلیمش غلط است خدایی که با آتش جواب بدهد خداست دیگه برادر زمانی که شپت منبر رفت گفت شما این نقشه را دارید از فرقه های مختلف هستید من چند قدم جلو برمیدارم و هر کس فکر میکنه تعلیم من غلط است بیاد جلو اگر من تعلیم غلط میدم اگر قدم برمیدارم خدا منو بکشد و اگر شما تعلیم غلط میدید وقتی جلو میایید شما خواهید مرد برادر برانهام گفت این جلسه ساکتترین این جلسه بود هیچ کس جرات جلو آمدن را نداشتند و هر 300 واعظ بعد جلسه با او دست دادند قول دادند بیایند به نام عیسی مسیح تعمید بگیرند که البته به قوئل خودشان عمل نکردند . یکبار دریگر یک چلشی دیگر پیش آمد درباردهع شفای الهی که خیلی ها معتقد هستند شفا مال عصر حاضر نیست و به گذشته بر میگردد و به برانهام تهمت تله پاتی زدند و برادر برانهام پشت منبر میرود و این طور میگوید خدایی که منو فستاده میتونه از من دفاع کنه و جالب اینه که عکاسی که مخاف برادر برانهام بود عکسهایی میگیره که همه اون عکسها میسوزد و این عکس باقی میماند این کسی که این عکس را گرفت مخالف برانهام بوده یک مخالف این عکس را گرفت پس اگر خدا ی نبی برای ما فرستاده برای این است که به او گوش کنیم تا آماده بازگشت مسیح باشیم و اگر به او گوش نکنیم اگر به کلامی که برای ما آورده گوش نکنیم باید به شما بگویم آماده بازگشت مسیح نخواهیم بود . جلسه طولانی شد من به سوالات شما بعد از جلسه پاسخ میدهم . چون نبی دهان خداست مثل داور مسابقه

دعا میکنیم خداوند عیسی شکرت میکنیم برای اینکه ما یک انسان را موعظه نکردیم بلکه یک وعده ایی که در ملاکی باب 4 به ما دادی را معرفی کردیم پولس پطرس انسانهایی هستند مثل من مثل این جماعت ولی آنچه که باعث شده ما امروز موعظه کردیم کاری است که تو در زندگی این مردان انجام دادی خداوندا

در این زمانهای آخر به ما قول یک نبی را دادی با روح ایلیا که به مناقشات کلیسای ما پایان بده که قول تو را برای ما بپاره .و ما را از تشویش بیرون بپاره تا در بین این 900 صدای فرقه ها بتوتنیم صدای یگانه تو را تشخیص بدهیم بگذار قوم درک کنه اینو و آماده بشه و از روح القدس پر بشه و از بیماریها شفا پیدا کنه و قوت مسیح ظاهر بشه و بگذار کسانی که این پیغام را گوش میکنند از زنجیرهای آزاد بشن و قوت میسح آنها را در بر بگیرد بگذار کسانی که تعمید روح ندارند تعمید روح بیابیند مطیعان را مطیع خود کن خدایا خداوندا دلها با تو آشتی کنه در اسم عیسی مسیح قوت خود را به قوم خودت آشکار کن تو یک نبی فرستادی تا با کلامت آشتی کنیم و در این اشتی با میسح آنطوری که هست ملاقات کنیم تا خداوندا آماده دریافت قوتی عظیم از تو باشیم و پدر قوم خودت را برکت بده و شنوندگان را برکت بده و روح اطاعت را در ما قرار بده در نام عیسی مسیح آمین . خدا به شما برکت بده اگر سوالی است پاسخ میدم . دعای ما برکت یافتن شماست و جلال خدا در شما آشکار بشه و با پیغام آماده سازی کلیسا خودشان را هماهنگ بده